

چشم انداز دموکراسی و انتخابات آزاد در ایران



علی اصغر سلیمی
تیر ماه 1386 / ژوئیه 2007
a.salimi@web.de

گفتار دهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - احزاب و سازمانهای سیاسی

در بررسی نقش احزاب و سازمانها در گذار دموکراتیک و فراروئی انتخابات به انتخابات آزاد و رقابتی و سالم به اختصار به بیان کارکردهای احزاب و سازمانهای اپوزیسیون میپردازیم. بدیهی است این بررسی و تجزیه و تحلیل موقعی کامل خواهد شد که نقش احزاب اپوزیسیون و اصلاح طلب یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، روحانیون مبارز، حزب مشارکت و سپس در جنب این بررسی نهضت آزادی و ملی مذهبی ها به عنوان احزاب پیرامونی اصلاحات مورد بررسی قرار گیرند.

در دوره انتخابات مجلس هفتم و دوره انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم میتوان بیان احزاب سیاسی اپوزیسیون (درون رژیم) را در رئوس کلی ذیل جمع بندی کرد.

- افکار عمومی در زمان انتخابات مجلس هفتم و متعاقب آن در دوره نهم ریاست جمهوری دچار پریشانی ها و سردرگمی های عدیده ای بود. توقعات و انتظارات مردم از اصلاحات بسیار بیش از آنچه بود که در وعده های نمایندگان دوره ششم و رئیس جمهور و وزرا و نهادهای دولتی و در برنامه حزب مشارکت و سازمانهای همپیمانان (مجاهدین انقلاب اسلامی و روحانیون مبارز) مطرح گردیده بود. اصلاح طلبان مدتها قبل از پایان دوره مجلس ششم و سپس در انتخاب دوره نهم رئیس جمهوری به دلیل عملکردهایشان بخش مهمی از پایگاه اجتماعی و مردمی خود را از دست داده بودند. در دوره هشت ساله حکومت شان به فرآیند تکوین جامعه مدنی و نهادمندی و نهادینگی نیز کمک تعیین کننده ای نکرده بودند و اصولاً بینش و دید و اصلاحات چندجانبه و چند الگوئی یعنی بالا - پایین - بیرون و ترکیب مطلوب عوامل موثر و تعیین کننده اصلاحات غالب نبوده است. بدین ترتیب امر رقابت سیاسی سالم و رقابت حزبی و نقش احزاب اپوزیسیون و نقش مردم و نهادهای صنفی - مدنی - فرهنگی در نگاه بانیان اصلاحات بسیار ضعیف و ناچیز بوده است. احزاب و نیروها و شخصیتهای ملی - مذهبی نیز بیشتر به همین اصلاح طلبان ناپیگیر اقتدا میکردند و یا به گونه ای اقدامات و سیاستهایشان را با آنها تنظیم میکردند. بدیهی است این به معنای نادیده گرفتن زحمات طولانی رهبران و شخصیتهای ملی - مذهبی نیست، اما همه فاکتورها و رویدادهای آن دوره نشان میدهند که حرف و حدیث روشن و شفاف و قاطعتر در بین این نیروها بسیار کم رنگ بوده است. در حالیکه جبهه ملی ایران، حزب ملت ایران و نیروهای پیگیرتر به طرح دیدگاههایشان در زمینه ضرورت انتخابات آزاد و اصلاحات بنیادی و پیگیرانه میپرداختند، اصلاح طلبان عرق در معضلات و شرایط پیچیده ای قرار داشتند که تا حدی نیز خود مسبب آن بودند. دیرهنگامیشان در پاسخ گویی به وظایف فکری و عملی جبهه اصلاحات آنان را به از موعد گذشتگی دچار کرده بود. دیگر پارای کمک جدی به خود و مردم و احزاب سیاسی و دیالوگ سالم و شکل دهی به افکار عمومی و ایجاد ائتلافهای سالم نبودند. جامعه دچار از هم گسیختگی گشته بود و روحیه انفرادی در احزاب و سازمانها و شخصیتهای گوناگون و در طیف طرفداران اصلاحات بیش از هر چیز به اصولگرایان و محافظه کاران و بهره برداری بیشینه آنان خدمت کرد.

احزاب و سازمانهای اپوزیسیون

ابتدا به مواضع و عملکردهای این دسته از احزاب و سازمانها پرداخته و سپس به رئوس کلی وظایف آنان در دوره آتی انتخابات اشاراتی خواهد شد. مواضع و عملکردهای احزاب و سازمانها در دوره پیشین انتخابات را میتوان به چند دسته تقسیم کرد.

الف: تعدادی از سازمانهای اپوزیسیون که به براندازی یا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اعتقاد دارند و در این راه کمک دولتهای دیگر را تعیین کننده می شمارند و اصولاً به این کمکها وابسته اند، در این طیف شماری از سازمانها و نیروهای سلطنت طلب (به اعتقاد نگارنده این سطور دیدگاه این نیروها را نباید به کل

هموطنان مشروطه خواه تعمیم داد)، سازمان مجاهدین خلق، برخی از خرده جریانهای چپ و کمونیست و بخشی از احزاب و سازمانهای قومی و منطقه ای کشورمان و عده ای از منفردین که به هر قیمت به سرنگونی می اندیشند قرار میگیرند. ویژگی عمده همه این نیروها غیر از سرنگونی طلبی، اقتدارگرایی غیر عقلانی و عدم اعتقاد به گفتمان دموکراسی و آزادی، و عدم اعتقاد به راههای مسالمت آمیز دموکراتیک، عدم اعتقاد به جامعه مدنی و انتخابات آزاد و سالم بمثابة جوهر دموکراسی و اراده مردم برای نیل به آزادی و استقلال و دموکراسی است. رویکرد راهبردیشان به دولتهای آمریکا و عراق (زمان صدام حسین) و غیره از همین عدم اعتقادشان به منبع دموکراسی یعنی مردم ناشی میشود.

ب: احزاب و سازمانها و شخصتهایی که به تحولات بنیادین در جامعه می اندیشند و پایان استیلای نظام جمهوری اسلامی یعنی برچیدن بساط ولایت فقیه و پایان دادن به ایدئولوژی سنت گرائی مذهبی و جدائی دین از دولت و برچیدن مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایان نظارت استصوابی در مجلس و تکوین جامعه مدنی و ایجاد نظام رقابت حزبی، ایجاد نظامی دموکراتیک و ثبات سیاسی از طریق انتخابات آزاد - رقابتی و سالم میاندیشند. در دوره پیشین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در سیاست این احزاب و شخصتها درباره شرکت در انتخابات تفاوتی به چشم میخورد.

- عده ای بر مبنای ارزیابی هایشان از تاریخ عملکردها و ماهیت جناحهای گوناگون اصولگرا - محافظه کار - اصلاح طلب از آغاز تحریم را در دستور کار قرار دادند. استدلال و دیدگاه این نیروها مبنی بر این بود که سیاست تحریم از شفافیت لازم برخوردار بوده و از گمراهی و پریشانی و سردرگمی مردم جلوگیری خواهد کرد و دینامیک تحریم انتخابات میتواند قشرهای مردم را آگاهتر نماید تا کمتر در دام و ورطه سیاستهای رژیم بغلطند. در داخل کشور بطور نمونه از حزب ملت ایران و از شخصتهای مستقل مهندس امیر انتظام، گنجی، دکتر ملکی، دکتر زرافشان و دیگران میتوان نام برد. در خارج از کشور جریان مجامع اسلامی در این طیف قرار میگیرند. با استدلالهای نسبتاً مشابهی میتوان از جریان جمهوری خواهان لائیک و دموکرات و جریانهای چپ در خارج از کشور از قبیل سازمان اتحاد فدائیان خلق، سازمان فدائیان خلق اکثریت و سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر نام برد. اتحاد جمهوریخواهان ایران نیز در مجموع علیرغم وجود طیفهای گوناگون شعار تحریم را داد، عده ای از فعالین این جریان از نظرات دیگری دفاع میکردند. مواضع نیروهای فوق در مورد انتخابات تا دوره قبل بر مبنای استراتژیک بودن امر تحریم استوار بوده است و شعار انتخابات آزاد و دموکراتیک به دلیل ایجاد ابهام و سردرگمی در هیچ جنتی مورد توجهشان قرار نگرفت.

- تعدادی دیگر از سازمانها و نیروها ضمن اینکه به همه موارد مضمونی فوق درباره تحولات بنیادین و ساختاری در دولت و جامعه اعتقاد داشتند، لیکن به لحاظ اشکال مقابله و رویارویی با نظام جمهوری اسلامی منعطفتر رفتار کرده، در مورد انتخابات نه شعار تحریم بلکه شعار "در انتخابات شرکت نمی کنیم" را بکار بردند و تحریم را نه بطور استراتژیک و یکبار برای همیشه بلکه "شرکت نکردن" در انتخابات را بدلیل فراهم نبودن پیش شرطهای حداقلی و ضروری انتخابات آزاد - رقابتی و سالم تبلیغ کردند و از طریق این سیاست کوشیدند تا رابطه نزدیکتر و زنده تر و آموزنده تری با مردم بگیرند و تا نزدیکی انتخابات پیش شرطهایی چون آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب، عدم نظارت استصوابی و تصفیه های فله ای، با انتقاد از صدور احکام حکومتی از سوی ولی فقیه و غیره را در بین مردم تبلیغ کردند. از جمله این سازمانها و احزاب میتوان جبهه ملی ایران، طیف نیروهای منتسب به نشریات نامه و آفتاب و عده ای از چهره های اصلاح طلب چون عبدالله نوری و دیگران و عده ای از سازمانهای دانشجویی همچون دفتر تحکیم وحدت و غیره را میتوان نام برد. این نیروها نه تنها افراط گرایی یعنی فروپاشی خشونت آمیز رژیم جمهوری اسلامی را نفی میکنند، بلکه با دیدگاه استحالته رژیم توسط اصلاح طلبان حکومتی نیز مرز کاملاً مشخصی دارند. سیاستها و مواضع این نیروها بیشتر در جهت جابجائی قدرت سیاسی از طریق پایان دادن به رژیم ولایت فقیه بکمک الگوهای اصلاحات پیگیرانه و تحولات بنیادین چندجانبه و چند الگوئی است.

ج: تعدادی دیگر از سازمانها که به قانون اساسی التزام عملی دارند و ضمن انتقادهای گوناگون به ضرورت اصلاحات پیگیرانه از رویارویی صریح و شفافتر در مقابل نظام یعنی ولی فقیه، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت می پرهیزند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و از نماینده های معینی در دور اول و دور دوم پشتیبانی کردند. اصلی ترین نیروهای این طیف نهضت آزادی و ملی - مذهبی ها میباشند. عدم کاربرد شعار تحریم و یا شرکت نکردن در انتخابات از جانب این نیروها صرفاً به دلیل اشکال مبارزه و متدها و راهکارهای سیاسی منعطف تر نیست، بلکه دلایل دیدگاهی دارد و به نگاه آنان به ماهیت اصلاحات و توان و پتانسیل اصلاح طلبان و امکانات بالقوه و بالفعل آنان با احزاب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و حتی نقش دولتمردانی چون هاشمی رفسنجانی برمیگردد. ضمن احترام عمیق به چهره ها و شخصتهایی از قبیل عزت الله سجایی نمیتوان اما سیاستهای تقلیل گرایانه و یکسویه حمایتی آنها از اصلاحات را مورد تایید قرار داد. آنها خود به ریزش نیروها و طرفداران خود، که از تبعات چنین سیاستهایی

است وافقند. در خارج از کشور نیز دیدگاه‌های یکسویه حمایتی از اصلاح طلبان نمایندگان و مدافعانی دازد (نگاه شود به نوشته های فرخ نگهدار و نظرات منتقدان آن فواد تابان و رضا چرن‌دابی) در مجموع و در کلیت امر میتوان گفت که سیاست‌های ائتلافی نیروهای اپوزیسیون در مقاطع انتخابات بسیار ضعیف و حتی مختل بوده اند. این اختلال در نتیجه حدود 25 سال تسلط ایدئولوژی سنت گرائی مذهبی و سرکوب جنبش‌ها و ارباب مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی و در نتیجه عدم تکوین جامعه مدنی و از هم گسیختگی در بین افشار و طبقات اجتماعی و فقدان سیاست و استراتژی و برنامه روشن انتخاباتی از سوی نیروهای ملی و دموکرات در جامعه بوجود آمده است.

- بیان و گزارش اجمالی فوق از عملکردهای احزاب و سازمانهای اپوزیسیون نشانگر آن است که فاصله زیادی بین آنچه که باید باشیم و آنچه که هستیم وجود دارد. رقابت حزبی یعنی وجود دو - سه یا چند حزب شکل یافته بزرگ یکی از اساسیترین پایه های دموکراسی در جوامع پیشرفته امروز دنیاست. بدیهی است که تکوین جامعه مدنی، انتخابات آزاد و دموکراتیک و مشارکت و رقابت حزبی و ائتلافها و ثبات حداقل و نسبی سیاسی شاخص های اصلی دموکراسی محسوب میشوند.

احزاب در ایران باید در راستای تحقق اهداف فوق، راهبردها و سیاستهای عملی خود را تعیین و تنظیم نمایند. "جامعه ایران از حیث ساختاری دارای تمایلات کثرت گرایانه است و میتواند نظامی چند حزبی را ایجاد کند. برخی شکافهای فعال اجتماعی - سیاسی مانند شکاف سنت گرائی و تجدد گرائی، اسلام و سکولاریسم، مشروطه گرائی و مطلق گرائی، اتاتیسم (مداخله اقتصادی) و لیبرالیسم اقتصادی مبنای چنین تمایل ساختاری برای شکلگیری پلورالیسم سیاسی را تشکیل میدهد." (حسین بشیریه، دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، ص 143)

با توجه به وضعیت ساختار قدرت سیاسی و آرایش نیروهای جامعه و خواستههای تاریخی و مشخص افشار و طبقات و بر اساس بررسی موضوعه روی مشاجرات، اختلافات و مبارزات و جنبش های مردمی میتوانیم دو شکاف عمده و اساسی سنت گرائی و تجدد و اتاتیسم و لیبرالیسم اقتصادی را مبنای تقسیمات احزاب سیاسی قرار دهیم. شکاف اول در عرصه های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و شکاف دوم در بین طبقات و افشار، مبین گرایشهای راست و چپ در عرصه اقتصاد میباشد. بدین ترتیب در سالهای آینده میتوان بلوکهای حزبی با گرایشهای زیرین را در صحنه سیاسی ایران بعنوان گرایشهای برتر گمانه زد و مشاهده نمود.

1 - احزاب و گروههای سوسیال دموکرات (طرفدار تجدد - سکولاریسم و بمثابه بلوک چپ تجدد خواه و بخشا خواهان مداخله دولتی در اقتصاد)

2 - گروهها و احزاب ملی - لیبرال و ناسیونالیست (طرفدار تجدد - سکولاریسم و بمثابه بلوک راست تجدد خواه و طرفدار لیبرالیسم اقتصادی)

3 - گروهها و احزاب اصلاح طلب اسلامی (طرفدار دموکراسی و اسلام گرائی بلوک چپ و سنت گرا و بخشا خواهان مداخله دولتی در اقتصاد)

4 - گروهها و احزاب سنتی و محافظه کار اسلامی (طرفدار سنت - اسلام گرائی و راست و سنت گرا و خواهان لیبرالیسم اقتصادی)

شمای کلی فوق نشانگر مرزها و حدود و ثغور هویتی احزاب و سازمانها میباشد و در عمل و عرصه واقعی زندگی بین گرایشهای راست و چپ همواره طیفهایی از نیروهای میانه وجود دارند که با اعتدال و میانه روی عامل ایجاد ائتلافهای گوناگون خواهند شد.

با توجه به گرایشها و تمایلات بلوکهای حزبی و پایگاه طبقاتی و اجتماعی احزاب و سازمانها میتوان مدلل داشت که بجز بلوک چهارم سه گروه فوق الذکر هر یک بدلایلی بنا بر مواضع دیدگاهیشان در جایگاه نقد و تغییر دولت جمهوری اسلامی قرار دارند. اگرچه اشکال و شیوهها و متدهای راهبردی آنان متفاوت است، اما تغییر و تحول جامعه را در دستور کار قرار میدهند. احزاب فوق میتوانند و باید در راستای این تغییر و تحولات رئوس کلی گفتمانی و ساختاری و عملکردی زیرین را مورد همپرسی و دیالوگ و گفتگوی فعال و سازنده قرار دهند.

- ساختن ایرانی آزاد، آباد، مستقل و همبسته و یکپارچه برای همه ایرانیان

- کار فکری پیگیرانه و گسترده در زمینه نقد نظام جمهوری اسلامی و سیاستها و عملکردهایش جنبه سلبی و طایف نیزوهای زوشنگری است. اما بسیج و انگیزش همه جانبه نه تنها از این طریق بلکه بطور ایجابی با کار آگاهگرانه و روشنگرانه در زمینه شناساندن حقوق بشر و حقوق شهروندی در همه جوانب و بسیج مردم در راه دفاع از این حقوق مقدور و ممکن میگردد.

- سیاستهای اتحادی جهت ایجاد احزاب قوی و متحد در درون بلوکهای سه گانه فوق مستلزم گفتگوها و همه پرسی ها و مجاب سازیها و گنشودن گرهما و گنشودن پل های ارتباطی و ایجاد همزیانی و همدلی و همبستگی است. گذار کردن از منافع کوچک سازمانی و گروهی مستلزم دید و بینش وسیع در زمینه رسالت و وظایف تاریخی نخبگان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه است. ایجاد حزب متحد سوسیال دموکرات شامل نیروهای چپ تجدد خواه، ایجاد جبهه گسترده ملی شامل همه نیروهای ملی - دموکرات و ناسیونالیست - لیبرال، ایجاد تشکیلات متحد و قوی از جریانهای کنونی دموکرات اسلام گرا، حتی ایجاد جریان غیر وابسته در بین هموطنان مشروطه خواه، ایجاد احزاب مستقل و غیر وابسته در بین اقلیتهای قومی که ضمن دفاع از سیاستهای عدم تمرکز و دموکراتیک برای اقوام ایرانی به بقا و یکپارچگی ایران اعتقاد دارند، تنها از طریق کار وسیع گفتمان گسترده و ژرفش و افزایش روابط گفتمانی و ائتلافهای گسترده مقدور است. ژرفش روابط گفتمانی موجب تقویت روند افق و مجاب سازی در روابط اجتماعی و هم سوئی ها و درهم آمیزی های فرهنگی و گسترش حجم و سرعت اطلاعات و ارتقای سطح فرهنگی جامعه خواهد شد. گفتمان دموکراسی منتزع از زمان و مکان و با تاریخ و جغرافیا نیست. گفتمان دموکراسی در ایران با امر زمان تعریف، حدود و ثغور و تعیین مییابد. همچنان که گفتمان مشروطه امروزه بعنوان پشتوانه فکری و فرهنگی گفتمان دموکراسی کنونی تلقی میشود و نه بعنوان عامل عقلانی حلال تناقضات منطقی - فرهنگی جامعه ایران. گفتمان دموکراسی امروز ایران باید در زمان معین خود به وظایف و رسالتش پاسخ گوید و این مهم تنها از طریق تصمیم ها و اقدامات و برنامه های گوناگون موثر نخبگان جامعه میسر میگردد.

- امر مشارکت و رقابت سیاسی سازنده در جامعه شامل دو جنبه: انتخابات آزاد و نیز ایجاد نظام حزبی رقابتی میگردد و از اینرو بدون کار و کوشش همه جانبه و مهندسی اجتماعی روندهای ریز و تدریجی ایجاد پایه های نظام انتخاباتی و نظام رقابت حزبی میسر نمیکردد.

فوقا به فرآیند جامعه مدنی پرداختیم . در اینجا نیز در خور تاکید است که در تکوین جامعه مدنی احزاب و سازمانها نقش بسیار مهمی برعهده دارند و متقابلا سازمانهای صنفی - مدنی با رشد و گسترش شان میتوانند احزاب را سالمتر و قویتر گردانند. بنابراین بعد دیگر روابط گفتمان و زمان، کمک به تسریع فرآیند نهادمندی و نهادینگی، شکل گیری هویت دموکراتیک و مدنی در جامعه و نقش احزاب سیاسی در این خصوص است. معجزه ای بدون این تلاش ملی رخ نخواهد داد. قابله و مامای تاریخ "وضع حمل نوزاد دموکراسی در ایران" بهر حال به حیرت و تاخیر افتاده است. بکوشیم تا نوزاد آتی تندرست و شاداب و بالنده باشد.

گفتار یازدهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - شخصیتهای ملی - دموکرات و رهبران فکری

وجود شخصیتها و رهبران فکری مبرز و توانا یکی از شروط ضروری وقوع تغییر و تحولات در جوامع در حال گذار دموکراتیک است. قدرت عاملیت رهبران و نخبگان فکری درگرو مفاهمه فرهنگی و وحدت نمادی در ابعاد ارزش شناسی، تکلیف شناسی، وجود شناسی و زیبا شناسی در رابطه با انسان و جامعه و هستی بشری است. در یکصد و پنجاه سال اخیر مردمان ایران شاهد شخصیتهایی چون امیرکبیر، سپهسالار، مصدق، دهخدا، بازرگان و بنی صدر در کنار ناصرالدین شاه، رضاشاه، محمد رضاشاه و خمینی بوده اند. این پارادوکس و پیچیدگی و دوگانگی تاریخ خود نشانگر این واقعیت است که جامعه ایران بطور ژنریک همراه با تداوم اقتدار کاریزماتیک و سنتی به تولید اقتدار حقوقی - عقلانی نیز پرداخته است. در جامعه ما بخاطر قدمت و دیرینگی هزاران ساله و بافت فرهنگی و تمدن متنوعش امر ظهور و حضور شخصیتهای کاریزماتیک - مستبد و مصلحت جو و یا پیشرفته از ویژگیها و پیچیدگی های جوامع دیرین برخوردار است. بررسی و شناخت این ویژگیها و پیچیدگیها به روند تحولات آتی کمک خواهند رساند. ما ناگزیر از نقادی وجود تاریخی خویشیم. در ایران از سوئی نخبه کنشی، رقابت های مخرب، حساسیت های بیش از اندازه، روحیه و روان شناسی تفرد و تفرعن، فزون طلبی و بیش از اندازه خواهی و از سوئی دیگر قداست، الوهیت، پرهیز کاری و قهرمان پروری پدیده هایی هستند که در هر پیچ و برآمد تاریخی گریبان ملت ایران را رها نمیکند. چگونه

رضا خان ظهور میکند و علیرغم وجود دهها و صدها شخصیت مجرب، آزموده، دانشمند و دارای اهلیت مقاومت همکیشان را مغلوبه میکند؟ چرا و چگونه مصدق با همه دستاوردهائی که برای ملت ایران به ارمغان آورد بیش از یک دهه در تنهائیش ماند؟ چگونه کاریزمای آیت الله خمینی ملتی به قدمت ما را حیران کرد؟ در جستجو و بازبینی و موشکافی فرآیندهای تکوین دولت - ملت باید به پروندهها و احوال و زندگینامه های نخبگان سیاسی بویژه توجه کرد.

از نگاه هستی شناسی، انسان هدف و وسیله توسعه است و بنابراین میتوان چنین استدلال کرد که انسان نقش محوری را در امر توسعه برعهده دارد. وجود انسان در جامعه با نظام شخصیتی او توجیه و تبیین میشود و نظام شخصیت نیز در فرآیند جامعه پذیری شکل میگیرد. فرآیند جامعه پذیری جزئی از فرآیند توسعه محسوب میشود. شکل گیری و قوام شخصیت‌های پیشرفته انسانی زمینه ساز توسعه و تحولات بنیادین ساختاری و تکوین و تکامل جامعه مدنی به حساب می آیند. در مقابله نیز ظهور شخصیت کاریزماتیک و مستبد تهدید جدی برای کل یک نظام سیاسی - اجتماعی بشمار میرود. "با پدیدار شدن اقتدار کاریزماتیک، تفکر و کنش افراد نیز دستخوش تغییر و تحول میشوند. تفاوت بین اقتدار حقوقی - عقلانی و اقتدار کاریزماتیک در این است که در حالیکه کاریزمای با نیروی انقلابی درونی با تحول و تغییر در اذهان افراد عوامل کنشگر سروکار دارد، اقتدار حقوقی - عقلانی نیروی است خارجی که ساختار جامعه با اتکا به آن در نحوه اندیشه و کنش افراد تحول ایجاد میکند." (بازخوانی هابرماس، حسینعلی نوروزی، ص 520)، در حالیکه شخصیت‌های پیشرفته و دموکرات میکوشند، تا با کنش روشمند و مسئولیت شخصیشان برای جامعه خردورزی، مهرورزی، کرامت انسانی، خود باوری و خودگردانی، فعال گرایی و سازندگی ایجاد کنند! ما ایرانیان باید بیاموزیم که نه تنها با سرهای افکنده به احمدی نژادها بنگریم، بلکه با غرور و افتخار به ارزشهای انسانی و شخصیت‌های پیشرفته نه تنها به "رفتگان" بلکه به زندگان، به زنان و مردان که چند دهه از عمر خود را در راه عزت و شرف ملت و پاسداری میهنمان مصروف داشته اند، بنگریم.

در جامعه ما بویژه در یکدهه اخیر همراه با رشد و گسترش مجدد جنبش های خود انگیزه و موج جدید جنبش دموکراسی خواهی نسل جدیدی از مبارزان در همه اقصای جامعه بدفاع از آرمانهای دموکراسی خواهی، در راستای تغییر قانون اساسی، مبارزه برای حقوق شهروندی و حقوق بشر بپاخاسته اند. این نسل جدید پس از کشتارهای خیابانی و اعدام های دسته جمعی رژیم در دهه اول پس از انقلاب با دید و بینش وسیعتری و با درس گیری از تجارب پیش کسوتان و تجارب صد سال اخیر علیرغم فشار و سرکوب رژیم نمونه های برجسته ای از اخلاق مسئولیت پذیری و رشدی و اعتلای شخصیت‌های متکامل و مستقل را به تاریخ مبارزاتی کشورمان افزوده اند. جوانان و دانشجویان، زنان، کارگران و معلمان، پیکارگران اقلیت‌های قومی و مذهبی، هنرمندان، روزنامه نگاران و اهل قلم، سازمانگران وب نوشته ها و سایتها در داخل و خارج کشور، این شیفتگان روشنائی و آتش با عزت و افتخار به بهای جان و مالشان قهرمانانه در مقابل یورش و تهاجم رژیم جمهوری اسلامی ایستاده اند. در وصف حالشان باید زمزمه کرد: آتش آن نیست که از شعله او سوزد شمع // آتش آن است که در خرمن پروانه زند. این سپاه روشنگران از هرسو گرد می آیند، بر جمعیت آنان هر روزه افزوده میگردد و فکر و اندیشه های آنان آبدیده تر و غنی تر میگردد. اینان طلایه داران جنبش و گفتمان دموکراسی خواهی امروز ایران و رهبران فکری آینده اند.

با نقد و اصلاح رابطه رهبران فکری و گروههای اجتماعی، زمینه ها و فضاها و مجاری جدیدی از توانمندی ملت و عاملیت نخبگان ایجاد خواهد شد. احزاب و سازمانها و نهادها، شخصیت‌های حقوقی محسوب میشوند، درباره جایگاه و نقش و وظایف آنان در این مقاله نوشتیم. شخصیت‌های ملی و رهبران فکری و شخصیت‌های حقیقی میتوانند در تدبیرها تاثیرات کارا و سریع بر حرکتها و برآمدها و جنبشهای مردمی داشته باشند. این رابطه حقیقی و زنده حامل زنجیره ای از کنشها و واکنشها در راستای مجاب سازی و اقناع گروههای اجتماعی است که در همبستگی ملی نقش شگرف و تعیین کننده خواهند داشت.

رهبران فکری، زبان گویای ملت و عامل حفظ ثبات اجتماعی در وضعیتهای پرمخاطره و در طغیانها و شورشهای اجتماعی و کانونهای اتکاء و اعتماد ملی و سرمایه های معنوی و نمادین ملت محسوب میشوند. در شرایط کنونی که نظام جمهوری اسلامی اکثریت قریب به اتفاق شخصیت‌های ملی و دموکرات را از حق انتخاب شدن و نمایندگی محروم کرده است، باید به تدابیر و نقشه هایی اندیشید که گروههای اجتماعی، احزاب، سازمانها و نهادهای صنفی - مدنی متحدان پایان یافتن این تصفیه شوند و رژیم را زیر فشارهای همه جانبه قرار دهند. شخصیت‌های ملی نیز میتوانند و باید نقشه های خود را در مورد ضرورت و چگونگی انتخابات آزاد و رقابتی و سالم به اطلاع عموم برسانند و برنامه هایشان را درباره تحولات بنیادین جامعه به پیشگاه ملت ایران تقدیم کنند.

تو خامشی، که بخواند؟
تو میروی، که بماند؟
که بر نهالک بی برگ ما ترانه بخواند؟
از آن کرانه بدور
در این کربوه بین
بهار آمده از سیم خاردار گذشته
حریق شعله گوگردی بنفشه چه زیباست!
هزار آینه جاریست
هزار آینه به همسرائی قلب تو می تپد با شوق
زمین تهی است ز رندان
همین توئی تنها
که عاشقانه ترین نغمه را
دوباره بخوانی
بخوان بنام گل سرخ و عاشقانه بخوان
حدیث عشق بیان کن، بدان زبان که تو دانی

فهرست منابع

- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، فریدون آدمیت
- گذار به دموکراسی، حسین بشیریه
- عقل در سیاست، حسین بشیریه
- دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، حسین بشیریه
- نگاهی دیگر به دوم خرداد، چنگیز پهلوان
- فرهنگ شناسی، چنگیز پهلوان
- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، غلامرضا خواجه سری
- جامعه شناسی نظم، مسعود حلبی
- موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران، هادی زمانی
- توسعه اقتصادی و امنیت ملی، هادی زمانی
- گستره مالی و ساختار بودجه ای ایران، علی اکبر بشیری نژاد
- سالنامه آماری، سال 1382
- بازخوانی هابرماس، یورگن هابرماس، ترجمه حسینعلی نوروزی، تهران 1381
- موج سوم دموکراسی، ساموئل هانتینگتون، ترجمه دکتر احمد شهسا
- جامعه باز و دشمنان آن، کارل پوپر، ترجمه عزت الله فولادوند
- برندگان و بازندگان جهانی شدن، لستر تارو، ترجمه مسعود کرباسیان
- جامعه شناسی اقتصادی، پل کانتون، ترجمه حسن چاوشان
- جامعه مدنی و دولت، نیرا چاندوک، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی
- نشریات نامه، شماره های 35 به بعد
- میزگرد با غلامعباس توسلی، نشریه آفتاب، شماره 36
- مقاله چهار الگوی تغییر ابعاد نامطلوب جامعه اصلاح طلبی سه جانبه، حمید جلائی پور، نشریه الکترونیکی شرق
- مقاله ناسیونالیسم و بحران دولت ملی، علیرضا رجائی
- نشریه آفتاب، شماره 34
- هفته نامه های بهمن، ارگان کارگزاران سازندگی
- نشریه نامه، آرمان دولت ایده آل تحقق ناپذیر است، مقاله مصطفی تاج زاده، مصاحبه با شایا شهوق